ادامه از صفحه ۴

ساخت ۷ سد بدون مجوز

این در حالی است که رضا اردکانیان با شعار سازگاری با خشک‌سالی روی کار آمده است. اما آیا این رفتار، یعنی تأمین آب بیشتر از طریق سدهای متنوع‌تر، با شعار سازگاری با خشک‌سالی همخوانی دارد؟ کامران داوری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد، در گفت‌وگو با «شرق» به این پرسش با احتیاط پاسخ می‌دهد. او تأکید می‌کند: اگر یک مطالعه جامع‌نگر و یکپارچه در حوضه‌های آبریز انجام نشود، آنچه حاصل خواهد شد، فردا موجب پریشانی و پشیمانی می‌شود. او می‌گوید: ریشه برخی رفتارها در وزارت نیرو را باید در قوانین جست‌وجو کرد. در قانون فعلی وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب و زیرمجموعه‌هایش که شرکت‌های آب منطقه‌ای باشند، باید درآمدی از محل فروش آب به دست آورند. این مسئله زاویه‌ای وظایف آنها برای حفاظت از آب ایجاد کرده است. شرکت‌های آب منطقه‌ای از بابت تأمین منابع مالی همیشه نگران هستند و دست به کارهایی می‌زنند که برای تأمین مالی برنامه‌ریزی شده است. تا این قانون تغییر نکند، مشکلات حل نخواهد شد.داوری ادامه می‌دهد: در دل وزارت نیرو بخش دیگری به اسم آب و فاضلاب نشسته و در قانون توزیع عادلانه آب به شهرداری‌ها واگذار شده است؛ بعد قانون تأسیس شرکت‌های آب و فاضلاب که می‌آید این شرکت‌ها به مجموعه وزارت نیرو اضافه می‌شوند. در آنجا وزارت نیرو موظف شده آب تأمین کند و این نقص دوم است.به گفته او هرکس آب می‌خواهد باید هزینه تأمین را بپردازد. این عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد تأکید می‌کند که باید در وزارت نیرو جراحی انجام شود که این مشکلات از بیخ کنده شود. اگر این مسائل را کنترل کنیم، شاید در آینده شرایط بهتری داشته باشیم؛ ولی در شرایط کنونی اگر خودم مدیرعامل یکی از این مجموعه‌ها بودم، برای اینکه حقوق ماه بعد را بدهم، مجبور بودم تفکراتی به ذهنم بیاید.

نیاز به شفافیت در اجرای پروژه‌ها

به اعتقاد داوری باید قبل از اجرای هر پروژه‌ای مردم منطقه به‌دلیل آنکه بیشترین تأثیر را از آن می‌گیرند، جزئیات آن را مشاهده کنند. او ادامه می‌دهد: یکی از خواسته‌ها این است که شفافیت درباره پروژه‌ها زیاد شود. در خیلی از کشورهای دنیا در مسیر این تصمیم‌گیری‌ها برای خیلی از مسائل از جمله آب، دو نوبت تعیین می‌کنند؛ یک نوبت ۳۰روزه برای متخصصان و یک نوبت ۶۰روزه برای عموم که نسبت به یک مصوبه عکس‌العمل نشان بدهند. با بررسی این عکس‌العمل‌ها تصمیم گرفته می‌شود و مطمئن می‌شوند مخالفتی اگر بوده، شنیده شده و به آن توجه شده است.برخی بر این باورند که قرار است سدهای لاستیکی احداث‌شده در شمال کشور، جایگزین آب‌بندان‌های سنتی شوند و این سازه‌ها در واقع گامی برای سازگارشدن با خشک‌سالی هستند؛ اما آیا نباید با ساخت سدهای لاستیکی، برخی آب‌بندان‌های سنتی از مدار بهره‌برداری خارج شوند که ساخت این سازه‌ها به استفاده بیشتر از آب منتهی نشود؟ داوری دراین‌باره می‌گوید: در تمام حوضه‌ها، هر تصمیمی در دامنه آب حتما باید حساب‌شده باشد. بسیاری از نقاط شمال کشور مشکلات آبی و کمبود آب دارند.

ارزش افزوده بیشتر قربانی می‌شود

درحالی‌که توجه به ارزش افزوده حاصل از آب یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که در محافل کارشناسی بر آن تأکید می‌شود، وزارت نیرو احتمالا بدون توجه به اثر تجمعی سدسازی در شمال، فقط به فکر ایجاد آب بیشتر برای رونق زراعت است، درحالی‌که این تفکر، صنعت شیلات را نابود خواهد کرد، صنعتی که به گفته ارسلان قاسمی، نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون ایران، بیشترین ارزش افزوده بخش کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهد. او در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: شیلات تنها بخشی از کشاورزی است که تراز تجاری آن مثبت است.با وجود آنکه ارزش افزوده صنعت شیلات بیش از زراعت است، وزارت نیرو به قیمت آسیب‌زدن به بخشی که ارزشمندتر است، به‌دنبال اجرای پروژه بیشتر است. اصغر عبدلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره تأثیر ساخت سدهای لاستیکی بر صنعت شیلات می‌گوید: سد لاستیکی به‌عنوان یک مانع برای مهاجرت و تغییر در سیستم هیدرولیک رودخانه تأثیرگذار است. سرعت، عمق و دمای آب را تغییر می‌دهد؛ اما ابعاد سد لاستیکی را باید بدانم تا دقیق اظهار نظر کنم. اگر ارتفاع سد دو متر باشد یا ۱۰ متر، تأثیر آن متفاوت است. اگر سد، پلکان ماهی‌رو داشته باشد، خسارت آن کمتر و اگر پلکان ماهی‌رو نداشته باشد، خسارت آن خیلی بیشتر است. او می‌گوید: هرچه سد بیشتری روی رودخانه‌ها زده شود، موانع بیشتر می‌شود و در تخم‌ریزی ماهی‌ها اخلال ایجاد می‌شود. بسیاری از آبزیان نمی‌توانند تولید مثل کنند و با ساخت سدها بسیاری از فعالیت‌های کشاورزی و اقتصادی اجتماعی در پایین‌دست حوضه از بین می‌رود، زیرا در بالادست سد می‌زنند و آب برمی‌دارند و به پایین‌دست کاری ندارند. به این ترتیب رودخانه به دریا وصل نمی‌شود. به مرور زمان گل‌ولای در رودخانه جمع می‌شود و وقتی یک سیل می‌آید، مشابه آق‌قلا برای مردم مشکل ایجاد خواهد شد. عبدلی با تأکید بر اینکه مطالعه جامعی در زمینه اثر سدها بر صنعت شیلات انجام نشده، صید بیش از حد، وجود گونه‌های مهاجم مثل شانه‌دار و پرورش ماهی غیربومی در قفس همچنین ازبین‌رفتن رودخانه‌ها و آلودگی‌ها را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر صنعت شیلات اعلام می‌کند.

عکس: علی احمدوند، آنا

مروری بر ۲ دهه نقش‌آفرینی در عرصه سیاست

مطهری در آزمون چپ و راست

امیرمحمد حسینی: «بدون شک انتخاب جنابعالی به عنوان رئیس‌جمهور [احمدی‌نژاد] در سال گذشته [۱۳۸۴] از الطاف خفیه الهی بود»، «پیشنهاد می‌کنم در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری [سیدمحمد خاتمی] کاندیدا نشوید»، «رئیس‌جمهور باید مصوبه رفع حصر را از شورای عالی امنیت ملی بگیرد»، «کارشکنی‌ها در داخل ایران از دلایل خروج ترامپ از برجام بود»، «مواضع سیاسی من به اصلاح‌طلب‌ها نزدیک‌تر است»؛ همه این اظهارنظرها متعلق به یک فرد است. در بازه زمانی دو دهه علی مطهری حالا نماینده تهران در سال آخر مجلس دهم است. سالی که او از جایگاه نایب‌رئیسی پایین آمده و همین هم باعث شده تا بیش از پیش از فراکسیون امید فاصله بگیرد. مطهری با لیست اصلاح‌طلبان راهی مجلس شده و سه سال گذشته را در جلسات فراکسیون شرکت کرده است اما هنوز هم نمی‌توان او را در طیف سیاسی خاصی محدود کرد؛ آن هم وقتی بار دیگر نقش‌آفرینی او را در دو دهه گذشته در عرصه سیاسی کشور بازخوانی کنیم. او خودش بارها گفته که هیچ‌کدام از دسته‌بندی‌ها را قبول ندارد.

منتقد هاشمی و اصلاحات

علی مطهری تا پیش از واردشدن به مجلس، اصولگرا قلمداد می‌شد و هیچ نشانی دال بر قرارنگرفتن در این طیف نداشت. آن هم وقتی با لیست متحد آنها راهی هشتمین دوره مجلس شده بود. پیش از این او منتقد جدی هاشمی‌رفسنجانی و بعد دولت اصلاحات به‌ویژه در عرصه فرهنگ بود. این انتقادها تا جایی پیش رفت که مطهری در نامه‌ای سرگشاده پیش از برگزاری هشتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به رئیس دولت اصلاحات پیشنهاد کرد که از کاندیداتوری انصراف دهد. او دلیل اصلی این پیشنهاد را عهده‌دارشدن یک غیرروحانی در این سمت عنوان کرد. البته دلایل دیگری هم برشمرد. مطهری نوشت: «نوعی شیفتگی به مغرب‌زمین و متفکران غربی در شما وجود دارد که ناشی از دوره‌ای است که در آن دیار گذرانده‌اید و مخل استقلال مکتبی است... دوره شما مانند سایر دوره‌ها نقاط مثبت و منفی داشته است که در جای خود باید بررسی شود. مثلا افزایش آزادی بیان و پیگیری مسئله قتل‌های زنجیره‌ای از نقاط قوت دوره مدیریت شما و کمبود عمران و آبادانی و انحطاط اخلاقی جامعه از نقاط ضعف آن بوده است. پیشنهاد می‌کنم در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری کاندیدا نشوید اگرچه در صورتی که کاندیدا شوید احتمالا رأی خواهید آورد و به هر حال رأی مردم محترم است». این رویه مطهری تا سال ۸۴ هم ادامه پیدا کرد. سالی که باز هم در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از او خواست که در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نکند. در آن مقطع او از محمود احمدی‌نژاد حمایت کرد و دو سال بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری با لیست اصولگرایان وارد انتخابات شد. هرچند مطهری توضیح داده که قرارگرفتن در این لیست تعمدی نبود؛ شبیه قرارگرفتن او در لیست امید تهران در انتخابات مجلس دهم. همان‌طور که مطهری گفته تا این مقطع او منتقد هاشمی‌رفسنجانی و طیف اصلاح‌طلبان محسوب می‌شد: «آن‌موقع رئیس ستاد بزرگداشت شهید آیت‌الله مطهری آقای مصلحی بود. چند ماه قبل از انتخابات که تصمیم گرفتم کاندیدا شوم، موضوع را به او گفتم. آنها هم اسم ما را در فهرست گذاشتند. حالا فرض کنید من به آقای عسگراولادی می‌گفتم و در فهرست «پیروان امام و رهبری» می‌رفتم یا آن گروه سوم که اسمشان یادم نیست. به هرکدام می‌گفتم اسمم را می‌گذاشتند: بنابراین هیچ تعمدی نبود که از این راه وارد شوم؛ البته آن‌موقع مواضعم نزدیک به اصولگرایان بود و با تندروی‌های اصلاح‌طلبان مخالف بودم».

مجلس هشتم و جداشدن از اصولگرایان

ورود او به مجلس اما همان نقطه‌ای است که راه علی مطهری از اصولگرایان جدا شد. مطهری گفته «منتها بعد از ورود به مجلس هشتم، دیدم اینها یک جور خاصی هستند. مثلا رئیس‌جمهور با صراحت می‌گفت فلان قانون را اجرا نمی‌کنم و آنها خیلی راحت از کنارش عبور می‌کردند... به صراحت این حرف‌ها را می‌زد اما آنها خیلی راحت می‌گفتند چون رهبری از دولت حمایت کرده ما هم حمایت می‌کنیم و مخالفت نمی‌کنیم». رفته‌رفته راه مطهری از اصولگرایان جدا شده و تبدیل به منتقد دولت نهم و دهم و رئیس آن دولت‌ها شد. در شرایطی که مواضع غالب اعضای مجلس با دولت کاملا همسو بود. مطهری معتقد است که چرخش نقدهایش منافاتی با هم ندارند: «اصلا ممکن است یک جنبه و یک بعد کسی را نقد کنیم اما جنبه‌های دیگرش را تعریف و تمجید کنیم. لذا هر کدام در جای خودش واقع شده و هیچ منافاتی با هم ندارد... در دولت‌های نهم و دهم به مدت هشت سال خیلی آیت‌الله هاشمی را تخریب کردند و یک‌جاهایی لازم بود که از ایشان دفاع کنیم. ایشان مظلوم واقع شده بود و ما از ایشان دفاع می‌کردیم». مطهری حتی رئیس دولت نهم را به مجلس کشاند و به گفته خودش «وقتی داستان قتل ستار بهشتی پیش آمد، سؤال کردیم و وزیر را آوردیم صحن مجلس و این برای آنها عجیب بود که راجع به این چیزها که نباید اینجا حرف بزنیم و بحث نظام مطرح است». او همان کسی بود که نزدیک به ۱۰ سال قبل اتفاقات کوی دانشگاه را «یک نقشه و برنامه حساب‌شده و با حمایت دولت‌های خارجی» دانسته و گفته بود: «قهرمانان این حادثه بسیجیانی هستند که خیابان‌های تهران را از لوث وجود اراذل و اوباش پاک کردند و مردمی هستند که پس از شنیدن ندای رهبر خود خیابان‌های تهران و سایر شهرها را پر نمودند». ۱۰ سال بعد اما فاصله مطهری با اصولگرایان در مجلس هشتم آن‌قدر زیاد شد که از لیست آنها برای انتخابات دوره نهم مجلس حذف شود. مطهری دراین‌باره گفته «جالب است که در سازوکار «۸+۷» یعنی سازوکار اصولگرایان برای بستن لیست در انتخابات مجلس نهم من رأی آوردم. از ۱۲ نفر حاضر، هفت نفر رأی مثبت داده بودند و پنج نفر رأی منفی؛ یعنی من برای فهرست اصولگراها رأی آورده بودم، اما آقای حداد و آقای زاکانی محکم ایستاده بودند که اینها (خصوصا من) نباید باشند و علی‌رغم اینکه من رأی آورده بودم اسمم را حذف کردند». در این انتخابات مطهری به صورت مستقل شرکت کرد و باز هم توانست رأی مردم تهران را کسب کند.

از نقد تا حمایت از هاشمی

رویه مطهری نسبت به رئیس دولت دهم در مجلس نهم هم ادامه پیدا کرد. مطهری در سال ۹۲ از حامیان ریاست‌جمهوری آیت‌الله رفسنجانی بود. کسی که سال‌ها او را نقد می‌کرد: «در سال ۹۲ احساس ما این بود که آقای هاشمی به خاطر تجربه و نگاه درست اقتصادی و سیاسی و مدیریتی که داشت، گزینه خوبی است که کشور را از آن وضعیت بیرون بیاورد. اگرچه نظر کلی من این است که روحانیون حتی‌المقدور پست‌های اجرائی را اشغال نکنند، مگر اضطرارا. این هم نگاه شخص شهید مطهری است که روحانیون پست‌های اجرائی را نگیرند و کار خودشان را انجام دهند. این نظر ما بوده و به هر حال اینها هیچ منافاتی با هم ندارد... شاید بعد از دوره ریاست‌جمهوری تا حدودی فراغت و تماس بیشتری با مردم و گروه‌های اجتماعی و سیاسی داشت و طبعا متوجه خیلی از مشکلات شدند. بنابراین در مواقع زیادی شاهد بودیم که از حقوق مردم دفاع کردند. در حوادث سال ۸۸ هم دیدید که ایشان یک‌طرفه به میدان نرفت و جانب حقوق مردم را هم داشت».

دو سال بعد یعنی ۹۴ مواضع سیاسی مطهری آن‌قدر به اصلاح‌طلبان نزدیک شده بود که در فهرست نامزدهای مجلس دهم قرار گیرد. هر چند مطهری معتقد است این قرارگرفتن هم تعمدی نبوده است: «مجلس دهم هم که خود اصلاح‌طلبان اسم من را در فهرست گذاشتند. من هیچ درخواستی نکرده بودم. البته تشکر کردم و نمی‌گویم کار بدی کردند و در مجلس هم از فراکسیون امید خارج نشدم چون آن را خلاف اخلاق می‌دانستم. اما می‌خواهم بگویم هیچ درخواستی از طرف من نبود. افراد دیگری بودند که با فشار و لابی اسم خود را وارد فهرست کردند. به‌هرحال، من با هیچ گروه خاصی نبودم، یک وقت اینها دوست داشتند اسم من را گذاشتند و یک وقت آنها دوست داشتند و اسم من را گذاشتند». شاید به نظر برسد اصولگراها او را دفع و اصلاح‌طلبان جذب کردند اما او در این زمینه گفته که «کلا من در این دسته‌بندی نیستم».

بزنگاه‌های مجلس دهم و مواضع دوگانه

در مجلس دهم علی مطهری نماینده‌ای امیدی قلمداد شده که مواضع اصلاح‌طلبانه دارد. البته به جز مواردی که عمدتا در حوزه‌های فرهنگی بود و او نزدیک به اصولگرایان می‌شود. مطهری در پاسخ به سؤال‌ها در این راستا ساده‌ترین پاسخ را انتخاب می‌کند و می‌گوید در عرصه سیاست به اصلاح‌طلبان نزدیک است و در حوزه فرهنگی اصولگرایان از مواضع او خوشحال می‌شوند: «البته بعضا می‌گویند مواضع فرهنگی من به اصولگراها و مواضع سیاسی من به اصلاح‌طلب‌ها نزدیک‌تر است که این حرف تا حدی درست است. چون اصولگراها به احکام دینی بیشتر اهمیت می‌دهند و اصلاح‌طلب‌ها اهمیت بیشتری برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی قائل هستند». هر چند منتقدان اعتقاد دارند نقدهای فرهنگی مطهری متوجه طبقه‌ای است که به او رأی داده است. نگاهی به مواضع مطهری در مجلس دهم که سال آخرش را سپری می‌کند، می‌تواند این فضا را شفاف کند.

مطهری در مجلس اصولگرای نهم از موافقان برجام بود و این اولین نقطه عطف بود. مطهری حتی وقتی آمریکا از برجام خارج شد، از عواملی که در داخل کشور مانع اجرای توافق هسته‌ای شدند، انتقاد کرد: مطهری افزود: «از روز اول که برجام امضا شد، مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها شروع شد و اجازه ندادند برجام اجرا شود. یک جریان نگاه می‌کند اگر برجام اجرا شود به نفع این دولت خواهد بود و کارشکنی می‌کند و حال اگر خودشان بودند حمایت می‌کردند. سرمایه‌گذاری‌هایی که باید می‌شد، نشد و کار به اینجا کشید که ترامپ از برجام خارج شد». نماینده مجلس دهم در بزنگاه لوایح مرتبط با FATF هم در صف حامیان آنها بود: «من معتقدم اگر مذاکره با آمریکا و برجام به وسیله همین مخالفان انجام می‌شد، حتما از آن دفاع می‌کردند. یا همین لوایح مرتبط با FATF اگر در دوره خودشان بود حتما دفاع می‌کردند، ولی چون احساس می‌کنند خارج از دولت هستند، مخالفت می‌کنند». در جریان همین لوایح هم بود که مطهری به رویه جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام در فرایند قانون‌گذاری اعتراض کرد و هیئت عالی نظارت مجمع را شورای نگهبان دوم خطاب کرد.

> **مطهری را نمی‌توان در طیف سیاسی دسته‌بندی کرد. مطهری کجای سیاست ایران می‌ایستد؟ این سؤالی است که شاید خود او هم نتواند به‌راحتی به آن پاسخ دهد. او در آخرین اظهارنظر در همین زمینه خودش را این‌طور توضیح داده است: «من نه اصولگرای مصطلح هستم و نه اصلاح‌طلب مصطلح ولی از نظر لغوی و معنایی هر دو هستم»**

از سوی دیگر، فعالیت و اظهارنظرهای مطهری درباره حصر در مجلس دهم شکل جدی‌تری به خود گرفت و او علیرضا آوایی، وزیر دادگستری، را هم برای پاسخ به سؤالی در همین زمینه به مجلس کشاند. در مقابل اما وقتی پای موضوعات فرهنگی و اجتماعی به میان آمده است، مطهری مواضعی اتخاذ کرده که با پایگاه اجتماعی و رأی او هم‌خوانی ندارد. برای مثال، او در ماجرای انتشار ویدئوهای رقص در مدارس خواستار برکناری و برخورد با مدیران آن مدارس شد. از طرفی درباره حجاب هم همچنان انعطاف از خود نشان نداده است: «مسئله حجاب هم قابل قیاس با نماز و روزه نیست. بعضی‌ها می‌گویند مگر ما برای نماز و روزه اجبار گذاشتیم؟ برای حجاب هم نباید اجبار بگذاریم. نه، حجاب یک مسئله اجتماعی است و آثار اجتماعی دارد. نماز افراد امر آشکاری نیست، کسی نمی‌داند چه کسی می‌خواند و چه کسی نمی‌خواند و اثر مستقیم اجتماعی هم ندارد. ولی حجاب اثر مستقیم اجتماعی دارد». او حتی چند باری گفته است اگر این موضوع حجاب به رفراندوم گذاشته شود، اکثریت به آن حجاب رأی می‌دهند.

نایب‌رئیسی ناتمام

مطهری در سال آخر مجلس دهم نتوانست جایگاه نایب‌رئیسی خود را حفظ کند. او مسبب این موضوع را عدم ائتلاف فراکسیون امید با مستقلین و حتی به نظر او، کینه این دو فراکسیون نسبت به هم دانست. اما برخی معتقد هستند بخش زیادی از پایگاه اجتماعی مطهری به دلیل مواضع اخیر او از دست رفته است. فاطمه سعیدی، سخنگوی فراکسیون امید، در توییتی نوشته بود سال گذشته هم محمدرضا عارف با علی لاریجانی رقابتی جدی برای ریاست مجلس داشت. با این حال، مطهری در آن سال باز هم به عنوان نایب‌رئیس انتخاب شد. اما از سوی دیگر، برخی امیدها هم ازدست‌رفتن جایگاه نایب‌رئیسی مطهری در انتخابات اخیر هیئت‌رئیسه را نشان از استراتژی غلط دانستند. با این همه، این موضوع باعث شد مطهری بار دیگر موضوع شرکتش در فراکسیون امید را فقط یک دین اخلاقی بداند: «فراکسیون داخل مجلس را نباید زیرمجموعه یک حزب در نظر گرفت و سرنوشت آن را به سرنوشت آن حزب گره زد با این استدلال که چون می‌خواهیم در انتخابات اسفند ۹۸ و انتخابات ۱۴۰۰ مستقل عمل کنیم و از ورود افراد فرصت‌طلب جلوگیری کنیم». با این همه، علی مطهری به‌تازگی باز هم موضعی نزدیک به اصلاح‌طلبان اتخاذ کرد. او بعد از برگزاری دو جلسه از دادگاه محمدرضا خاتمی، نماینده مجلس ششم، خطاب به رئیس قوه قضائیه نوشت: «محاکمه آقای محمدرضا خاتمی به خاطر ادعای هشت میلیون رأی تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ فرصت مغتنمی است که یک بار برای همیشه پرونده حوادث سال ۸۸ که موجب تفرقه میان بخشی از ملت و کاهش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی شده است رسیدگی و بسته شود. پیشنهاد می‌کنم در این دادگاه از آقایان موسوی، کروبی و احمدی‌نژاد به عنوان مطلع دعوت شود تا حقیقت ماجرا روشن شود. کاری که باید در ماه‌های اول این حوادث انجام می‌شد یعنی محاکمه علنی متهمان این حوادث، خوب است لااقل در قالب حضور این متهمان در این دادگاه به عنوان مطلع، صورت پذیرد».

مطهری را نمی‌توان در طیف سیاسی دسته‌بندی کرد. مطهری کجای سیاست ایران می‌ایستد؟ این سؤالی است که شاید خود او هم نتواند به‌راحتی به آن پاسخ دهد. او در آخرین اظهارنظر در همین زمینه خودش را این‌طور توضیح داده است: «من نه اصولگرای مصطلح هستم و نه اصلاح‌طلب مصطلح ولی از نظر لغوی و معنایی هر دو هستم». در این شرایط، مطهری حتی از احتمال نامزدشدن برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ هم سخن گفته است: «باید به شرایط آن روز نگاه کنیم و ببینیم چه افرادی در میان کاندیداها وجود دارند. افراد تندرو داریم یا افراد خوش‌فکری داریم که رأی ندارند، مثلا اگر احساس کنم ... من رأی داشته باشم ولی کسی دیگر رأی ندارد، حضور پیدا می‌کنم». اما باید دید تا انتخابات پیش‌رِوی مجلس علی مطهری به کدام طیف نزدیک‌تر خواهد بود؟ از طرفی او با پایگاه اجتماعی و رأی کدام طبقه از جامعه به سمت پاستور خیز برمی‌دارد؟ کسی که به زعم خودش، اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست و در عین حال هر دو است.

روزنه

مصباحی‌مقدم:

تعامل «جامعه روحانیت» و «مجمع روحانیون» از گفت‌وگوی ملی شروع شود

● سخنگوی جامعه روحانیت مبارز در گفت‌وگو با ایلنا، جزئیات رویکردها و تصمیم‌های مد نظر جامعه روحانیت مبارز را در ماه‌های آینده به تفصیل بیان کرده که خلاصه آن در ادامه می‌آید:

■ درباره ضرورت تعامل مجمع روحانیون و جامعه روحانیت: بنده نه‌تنها این را ممکن بلکه لازم می‌دانم، چراکه ما قبل از انقلاب از مردم می‌خواستیم با هم متحد باشند. طبیعتا روحانیتی که خود تبلیغ اتحاد می‌کند، باید به اتحاد پایبند باشد و وحدت و هم‌گرایی را مبنا قرار دهد، در غیر این صورت تبلیغ ما بی‌اثر خواهد بود. جامعه اسلامی واقعا نیازمند وحدت و انسجام ملی است و روحانیون کشور چه در جامعه روحانیت و چه در مجمع روحانیون در میان مردم هوادارانی دارند و در نتیجه باید همچنان درصدد هم‌گرایی، ائتلاف و اتحاد باشند که اگر چنین باشد، می‌توان ملت متحدی هم داشت.

■ البته شکاف‌هایی پدید آمده که به‌راحتی ترمیم نمی‌شود، بلکه باید مداخله و وساطتی شود که چنین تعاملی رخ دهد. شاید اگر از ناحیه مراجع تقلید یا خود رهبر معظم انقلاب گامی برای این وساطت برداشته شود، در رفع اختلاف و کاهش فاصله‌ای که به‌دلیل مسائل سیاسی بین این جریانات پدید آمده، مؤثر باشد. این فاصله‌ها باهم‌بودن یا انسجام روحانیون کشور را خدشه‌دار کرده که باید به اتحاد گذشته برگشت. حتی می‌توان گفت امروز جریانات سیاسی در دو قطب هستند و این دو قطب به‌نوعی به جامعه روحانیت و مجمع روحانیون منتسب‌اند. این دو قطب در بعضی بخش‌ها ظاهرا و در بعضی بخش‌ها عمیقا منتسب به جامعه روحانیت و مجمع روحانیون هستند. اگر جامعه روحانیت و مجمع روحانیون به هم نزدیک شوند، می‌توانند یک وحدت ملی را رقم بزنند.

■ آقای روحانی در ایام ماه رمضان از دو طیف سیاسی دعوت کردند و همگی شرکت کردند. جلسه خوبی بود شاید اگر این جلسات تکرار شود، امیدی باشد برای چنین حرکتی در بحث انسجام بیشتر. اوایل دوره جدید ریاست‌جمهوری آقای روحانی هفت یا هشت نفر از اعضای جامعه روحانیت با ایشان دیدار کردند. این یک دیدار رسمی بود و بعد از آن دیگر جلسه‌ای صورت نگرفت، آن هم دیدار خوبی بود. این دیدار هم اگر تکرار شود و ادامه پیدا کند، خوب است.

■ جامعه روحانیت مبارز اصولا در عرض احزاب نیست؛ چراکه حزب نیست و هیچ‌گاه هم قبول نکرده که در عداد احزاب دربیاید یا کارکرد یک حزب را داشته باشد. جامعه روحانیت مبارز چه در زمان امام (ره) و چه پس از رحلت ایشان بنا را بر این گذاشته که به‌عنوان جایگاهی در تراز بازوی رهبری عمل کند و هَمّ و همت خود را جهت حفظ اسلام و ارزش‌های اسلامی و همچنین حفظ نظام جمهوری اسلامی و پیش‌بردن اهداف این نظام گذاشته است. پس نگاهش نگاه فراگیر و ملی است. نگاهش نگاه سیاسی جزئی و خرد نیست.

■ جامعه روحانیت در انتخابات سکوت نخواهد کرد، در انتخابات ورود می‌کنند و نظر می‌دهند؛ ولی جامعه روحانیت مبنایش از گذشته این بوده و الان هم این است که در عداد احزاب قرار نمی‌گیرد تا قدرت را به دست بیاورد.

■ تا انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ عملکرد جمنا خیلی خوب بود و نتیجه‌اش هم این بود که گرچه منتهی به پیروزی کاندیدای این مجموعه نشد، ولی منتهی به کاندیدای واحد شد و آن کاندیدای واحد ۱۶ میلیون رأی آورد و این نتیجه‌ای مثبت بود. جمنا از نظر فراگیری شاید توانست فراگیرترین مجموعه را محقق کند؛ اما نه به معنای پوشش کامل و صد درصدی. آنهایی هم که از این چتر خارج بودند، با نتیجه و خروجی عملکرد جمنا همراه شدند، گرچه در آن فرایند شرکت نداشتند. در نتیجه انشقاق و شکافی نبود، چراکه خروجی کار مقبول همه بود. جمنا از آن به بعد هم حرکتی انجام نداده که بخواهد راهی متفاوت را طی کند.

■ درباره رقابت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان: من معتقدم اگر این دو جریان سیاسی بتوانند هرکدام یک ائتلاف فراگیر تشکیل دهند و رقابتی تنگاتنگ در انتخابات مجلس داشته باشند، شور انتخاباتی بالا می‌رود و سطح مشارکت مردم هم بیشتر خواهد شد و انتخابات بهتری خواهیم داشت و در نتیجه خروجی آن هم بهتر خواهد بود؛ اما اگر کارزار انتخاباتی به دو رقابت درون‌جریانی و برون‌جریانی بینجامد، شاید مناسب نباشد، چراکه ممکن است نتیجه‌اش انتخاباتی ضعیف‌تر و خروجی‌اش هم نمایندگانی باشند که از شایستگی‌های بالایی برخوردار نباشند.

■ درباره تشکیل جلسات گفت‌وگوی ملی: آن بحثی که درباره جامعه روحانیت و مجمع روحانیون داشتیم، باید از اینجا شروع کرد. اگر از اینجا شروع کنیم، بنده امیدوارم بیشتر به نتیجه برسیم و ما هم طبعا آن را دنبال می‌کردیم؛ اما نقطه آغاز این است که مجموعه روحانیت کشور با هم باشند و با هم نشست داشته باشند و مواضع خود را با هم مرور کنند. باید اختلاف‌نظر و اشتراکات خود را ثبت و مطرح کنند، سپس در اختلافات با هم گفت‌وگو کنند و به کمک هم اختلافات را کاهش دهند و اگر این اتفاق رخ دهد، در نتیجه گفت‌وگوی ملی و انسجام هم تحقق پیدا می‌کند.